



Iran Data Portal

Speaker or Agency: Mehdi Karroubi

Title: Letter to Ayatollah Nouri-Hamedani

Language: English, Persian

Western Date: 17 October 2009

Persian Date: 25 Mehr 1388

Physical/Electronic Location: http://www.facebook.com/note.php?note_id=159761482605&ref=mf

Letter to Ayatollah Nouri-Hamedani

Mehdi Karoubi in response to the Ayatollah Nouri-Hamedani's interview with Keyhan newspaper issued an open letter to him to offer him some friendly reminders.

In this letter Karoubi, after thanking Ayatollah Nouri-Hamedani for his efforts during the Islamic Revolution and since then, mentions: "As you are aware and know better throughout the history the great religious scholars and Marajeh (the highest ranking clergymen in Shia), as the trustees of the religion, have always defended justice and fairness, and as a religious duty have always been the supporters of innocent people and not only issued religious rulings but also during the times that the governments and authorities were abusing people's rights, have defended the people"

In his letter, Karoubi reiterates that the Shia scholars and Marajeh have always confronted tyranny and oppression and have always been the allies of innocent and suppressed people

Karoubi adds that unfortunately the position of Ayatollah Nouri-Hamedani in the recent years and especially after the presidential election has been occasionally in contradiction to those of the great religious figures and this could create doubts regarding Marajeh's stature and could cause people to believe that there is link and collaboration between him and the authorities and this could cause them lose their trust and faith - as in the clashes after the election Nouri-Hamedani not only didn't support the people but even objected to the people whose rights were violated and denied

Karoubi adds that according to the law four people were approved by the Guardian Council as candidates for the election and one of these candidates in front of millions of audiences from the state-run television insulted and falsely accused some of the other candidates who were of the country's religious and revolutionary figures; and all of the public resources and tax payers' money and even many authorities in the governments were bluntly utilized to promote this certain candidate; and even some of the members of the Guardian Council who are supposed to oversee the election clearly broke the law and in favor of that candidate and expressed their support publicly in interviews. On the other hand the executers of the election were all members of that candidate's cabinet or his supporters and this is how the election fell to fraud and was questioned

Karoubi further points out that on the Election Day unprecedented violations happened and during counting the ballots there were clear injustices, therefore the other candidates and the people became angry over the fraud in their votes and took to the streets in a spontaneous move to demand their votes. He reiterated that no political movement, group or party has the ability to bring millions of people peacefully to the streets and it was in fact the people who made the leaders and the political parties to join their cause. He added that the government, while talked about laws were clearly violating the most basic of the

laws and illegally detained people and politicians, and had armed forces and militia to brutally attack people who were peacefully and without any provocative slogans demanding an unbiased and serious investigation in the election fraud and illegal actions. Karoubi added that some of the protesters were injured or killed in these attacks and many were arrested, imprisoned and assaulted

In continuation of his letter, Karoubi regarding the Nouri-Hamedani's remarks in his recent meeting with the personnel of a radio station, adds that these remarks have been cause for appall since according to Shia's history, Marajeh have always been supporters of innocent people and therefore people expect them to follow on their denied rights as many have already showed their supports for the people. By pointing out Nouri-Hamedani's silence after the election, Karoubi adds: "No matter how much we sought we didn't find any news of you until recently that your remarks were on the news, and of course not in the condemnation of the oppressors but rather in the condemnation of the people. It was suitable if you had some people to seek the truth, investigate the claims, meet with the protesters and those who suffered in the recent events and prepared a report for you, so that you could express your opinion based on the facts instead of demanding the protesters and complainants to ask for forgiveness by disregarding the normal and political doubts"

After reminding that judging in an argument based on just the claims of one side is not according to Islam or even Ayatollah Nouri-Hamedani's own Islamic rulings, Karoubi reiterates that he as well as Mousavi and Rezaee (the three other presidential candidates) have always been trusted figures in the government and especially during the crucial time of the imposed war of Iran-Iraq, they all had very sensitive and important responsibilities; and asks that considering the fact that a public inquiry is impractical for Ayatollah Nouri-Hamedani, wouldn't it be wiser and closer to the teachings of Islam that at least

he, as a Marja, would have asked them for their views and had listened to their side of the story before making any public announcements, so that people would not say that some senior clerics are ignorant about the fate of the Muslims; and also wouldn't it be better if he had not made any comments without adequate information so that the damaged beliefs of the people who had trusted the senior religious figures with their lives and fate would be reinstated?

بسمه تعالی

حضرت آیت الله العظمی حاج شیخ حسین نوری همدانی دامت برکاته
سلام علیکم

مصاحبه تعجب انگیز جنابعالی با رادیو معارف که در روزنامه کیهان نیز به صورت برجسته و گسترده ای بازتاب داده شد و شما در ضمن آن سخنانی بدون تناسب و مقتضای حال، گریزی به مسائل انتخابات ریاست جمهوری اخیر و حوادث بعد از آن زده و در باره بازداشتگاه کهریزک و معترضین و منتقدین آن نیز بطور اجمال سخن گفته بودید و رفتار و گفتار آنان را موجب آبروریزی نظام تلقی نموده و خواستار توبه آنان شده بودید، موجب گردید تا بنده این نامه را به خدمت شما نوشته و نکته ها و مسائلی چند را به صورت دوستانه یادآور شوم تا هم از سوءتفاهمات جلوگیری نموده و هم از حریم و جایگاه مقدس مرجعیت دینی تشیع دفاع کرده باشم.

پیشاپیش عرض می کنم که جنابعالی از اساتید برجسته حوزه با سابقه طولانی تدریس، پیشگام مبارزات نهضت اسلامی به رهبری امام راحل قدس سره در حوزه علمیه بوده و زحمات و تلاش های قابل توجهی را در این راه انجام داده و حتی رنج تبعید و زندان را نیز برای این مقصد مقدس، در رژیم گذشته تحمل نموده اید و از السابِقون انقلاب اسلامی هستید. چنانکه بعد از پیروزی انقلاب، در سال های اولیه نیز همراه حضرت امام (ره) باقی مانده و مسئولیت هایی همچون نمایندگی امام و امامت جمعه همدان را پذیرا شده اید و اکنون نیز به حمدالله در زمره مراجع دینی محسوب می شوید و بابت همه این زحمات انشاءالله که در نزد خداوند ماجور و مفتخر خواهید بود.

چنانکه خود شما آگاهی بیشتر و بهتری دارید علمای بزرگ دینی و مرجعیت شیعه در طول تاریخ، همیشه به عنوان امناء دین، پاسدار انصاف و عدالت و پناهگاه مردم مظلوم بوده و در حوادث ایام مضافاً بر صدور احکام و فتاوی لازم همچون حصن حصین و دژ تسخیر ناپذیری اظهار وجود نموده و به هنگام تعدی امرا و دولت ها بر حقوق مردم، به عنوان امر به معروف و نهی از منکر و از باب لزوم ((النصیحه لائمہ المسلمین))، جانب مردم را گرفته و از این رهگذر موجب تقویت هر چه بیشتر انگیزه های دینداری و خداباوری مومنان و جوامع اسلامی گردیده اند و از حقوق و منافع ملی و تمامیت ارضی کشور دفاع کردند.

علماء و مراجع تقلید شیعه سرافراز به این افتخار بزرگ هستند که در طول تاریخ نه تنها با استعمارگران خارجی مبارزه نموده اند بلکه با ظلم و ستم و استبداد داخلی نیز همیشه سر ستیز و سازش ناپذیری داشته اند و حامی حقوق توده های مظلوم و محروم بوده اند.

چنانکه استحضار دارید شخصیت دینی بزرگی همچون مرحوم آیت الله العظمی سید کاظم یزدی، صاحب عروةالوثقی به هنگام حمله بیگانگان به شهر نجف اشرف وقتی که در برابر این پیشنهاد قرار گرفت که بهتر است شما و خانواده تان از شهر خارج شوید تا در امنیت کامل باشید، فرمودند: همه مردم این شهر و این کشور خانواده من هستند و من امنیت همه آنان را می خواهم و سرنوشت من و خانواده ام گره خورده به آنان است.

تاریخ پر افتخار زندگانی علماء و فقها و مراجع شیعه پر از این نوع ایثارها و فداکاری ها و مردمداری هاست و نمونه های بارز آن را در زندگانی بزرگانی همچون حضرات آیات عظام بحر العلوم، میرزا محمد تقی شیرازی، سید ابوالحسن اصفهانی، سید محسن حکیم، امام خمینی و دیگران آنچنان فراوان است که با احصاء و نگارش آنها می توان کتابی نوشت و به همین دلیل است که مردم و گروه مومنان نیز همیشه قردان آنان و گوش به فرمانشان بوده اند و گاهی با استناد به یک سطر نوشته و به حکم و فتوای یکی از آنان از زندگی خود گذشته و انقلاب و نهضت بزرگی به راه می انداختند، چنانکه در نهضت تنباکو و فتوای یک سطر مرحوم میرزای شیرازی تحول و دگرگونی بوجود آمد. و پیروزی انقلاب اسلامی و سقوط استبداد شاهنشاهی و قطع دست بیگانه از ایران سرافراز و تشکیل جمهوری اسلامی ایران به برکت مرجعیت امام خمینی که عهده دار رهبری انقلاب با حمایت و پشتیبانی مردم بود، شد. بر این اساس حکومت سابق روی مرجعیت رهبری انقلاب حساسیت خاصی نشان میداد.

با تاسف باید عرض کنم آنچه که از مواضع حضرتعالی در سالهای اخیر و بویژه قضایای بعد از انتخابات ریاست جمهوری دهم مشاهده شد، بعضاً بر خلاف سیره سلف صالح از مراجع معظم دینی می باشد و این خطر را پیش می آورد که با شبهه آفرینی نسبت به ساحت مقدس مرجعیت شیعه منجر گشته و مفهوم کمک و تعاون به ارباب قدرت از حضرتعالی در برخی اذهان برداشت شود، چیزی که قطعاً جنابعالی از آن مبرا هستید ولی چنین تلقی و برداشتی

توسط مردم موجب دلسردی و سست اعتقادی مردمان می گردد. چرا که حضرتعالی در این قضایا که به مثابه یک فتنه بزرگ می باشد نه تنها در منازعات سیاسی معترضین و دولت بیطرف نماندید بلکه معترض به ملتی که حقوقشان پایمال شده است میبایستید.

حضرت آیت الله، طبق قانون، انتخاباتی در کشور صورت گرفته و چهار نفر از نامزدها مورد تایید قرار گرفته و به مبارزات انتخاباتی پرداخته اند و در این میان توسط یکی از نامزد ها به بعضی نامزد های دیگر و شماری از رجال کشوری، انقلابی و مذهبی در برابر میلیون ها بیننده تلویزیونی اهانت و افترا زده شده و همه امکانات و اموال دولتی و بیت المال و بسیاری از مسئولین دولتی به نفع یک نامزد معین به کار گرفته شدند و چند تن از اعضای محترم شورای نگهبان که ناظران انتخابات بودند آشکارا به قانون شکنی پرداخته و به نفع یک نامزد معین مصاحبه و اظهار نظر کرده اند. از طرف دیگر مجریان انتخابات نیز خود اعضای دولت آن نامزد معین و حامیانش بوده اند و بدین واسطه روند صحیح انتخابات خدشه دار گشته و مورد سوال قرار گرفته است و روز انتخابات تخلفات بی سابقه ای انجام شد و در شمارش آرا حق کثی فراوانی صورت گرفت، در نتیجه نامزدهای دیگر و صاحبان رای که از بردن دست در رایشان خشمگین شده بودند یکباره و بصورت تظاهراتی خود جوش و سیل آسا که تنها رای خود را مطالبه می کردند به خیابان آمدند، همانطور که قبلاً گفته ام هیچ جریان و گروه و یا حزب سیاسی توان به صحنه آوردن میلیون ها نفر را که بصورت مسالمت آمیز خواهان رای خود بودند را نداشت و اتفاقاً این مردم بودند که رهبران و گروه های سیاسی را در این راه با خود همراه کردند. ارتباط دادن این حرکت به بیگانگان زمینه سرکوب و حشيانه، دستگیری فله ای سیاسیون، ارباب مطبوعات، یاران انقلاب و بخش قابل توجهی از جوانان این مرز و بوم که بابرنامه ریزی دقیق و تلاش فراوان وارد صحنه شدند و بانشاط رای خود رابه صندوق ها ریختند را فراهم ساخت. از قانون گفتند در حالی که قوانین اساسی کشور را به سادگی زیر پا گذاشتند و به بازداشت غیر قانونی مردم و سیاسیون اقدام کردند و مردمی که بدون سر دادن هیچگونه شعار تند خواستار رسیدگی جدی و بیطرفانه به انتخابات و موارد خلاف قانون آن شده بودند، به عنوان اغتشاشگر مورد حمله شبه نظامیان و نظامیان مسلح قرار گرفته و شماری از آنان مورد جرح و قتل قرار گرفته و شمار دیگری بازداشت و زندانی شدند و در برخی از مراکز و بازداشتگاه های غیر قانونی مانند کهریزک مورد اجحاف و تعدی و انواع ظلم و ستم قرار گرفتند، که این قضایای شنیع موجب وهن اسلام، انقلاب و آبروریزی از نظام جمهوری اسلامی گشته است، تا جایی که بزرگان نظام حکم تعطیلی آن مرکز آزار و شکنجه را صادر کرده و قوه قضاییه به دستگیری و تعقیب عاملان آن فرمان داد، تا شاید بتوان آبروی ریخته را بازیافت.

اما در این میان با شگفتی و حیرت می بینیم که جنابعالی طبق نوشته روزنامه کیهان مورخ ۲۰/۷/۱۳۸۸ در دیدار با کارکنان رادیو معارف فرموده اید: «کسانی که نسبت تقلب در انتخابات و ادعای تعرض جنسی در کهریزک را داده اند در واقع عظمت انقلاب را شکسته اند و اگر افرادی که در جریانات اخیر بوده اند توبه کنند می شود

ائتلاف برقرار کرد» البته بدیهی است که این نوع موضع گیری توسط حضرت تعالی با آن سوابق مبارزاتی و علمی که اشاره کردیم، باید شگفت انگیز ارزیابی شود، زیرا مطابق سنت دیرینه و همیشگی مراجع که ملجاء و پناهگاه ستم دیدگان و مظلومان بودند و مردم از شما و سایر علماء و مراجع تقلید انتظار پیگیری حقوق از دست رفته شان را داشته و دارند، البته بخش قابل توجهی از مراجع عظام تقلید به این مهم اقدام و در کنار بخش مهمی از ملت که معترض به روند انتخابات بودند قرار گرفتند، لیکن هرچه جویا شدیم از شما خبری نبود تا اینکه اخیراً سخنانی از شما و البته نه در محکومیت سرکوبگران بلکه مردم در اخبار دیده شد، جا داشت حضرت تعالی افرادی را جهت کشف حقیقت و موارد ادعایی مأمور فرمایید تا بصورت عینی با معترضین و آسیب دیدگان تماس حاصل نموده و با تهیه مستندات لازم به جناب عالی گزارش بدهند تا بر پایه آن اظهار نظر فرمایید، نه اینکه با کنار گذاشتن احتیاط عرفی و سیاسی به اظهار نظر در رادیو و روزنامه پردازید و از معترضان و مدعیان طلب توبه می فرمایید.

شما که از شاگردان حضرت امام (ره) و مرحوم آیت الله العظمی بروجردی، از پیشگامان انقلاب و از علماء و مراجع عظام هستید می دانید که این اظهاراتتان یک نوع قضاوت محسوب می شود، آیا در شرع مقدس محمدی (ص)، در فقه امام صادق (ع) و در فتوای شخص شما می توان صرفاً با استماع یک طرف دعوی اینچنین قاطعانه حکم صادر کرد؟

اینجانب که یکطرف قضیه هستم و شما از مسئولیت های واگذار شده از طریق امام و مردم به اینجانب مطلع هستید و می دانید از معتمدین حضرت امام (ره) بودم و مدعی دوم کسی است که نخست وزیر، معتمد امام (ره) بوده و در بحبوحه هشت سال دفاع مقدس مدیریت اجرایی کشور با ایشان بود. نفر سوم فرمانده سپاه پاسداران دوران دفاع مقدس و با سوابقی مبارزاتی و مدیریتی ممتاز بود. آیا بهتر و به موازین شریعت مقدس اسلام نزدیکتر نبود که حضرت تعالی اگر به عامه مردم دسترسی نداشت تا از آنان تحقیق بفرمایید، به عنوان یک مرجع دست کم ما سه نفر را به حضور می طلبیدید و سخنان ما را می شنیدید، سپس اظهار نظر عمومی می فرمودید، تا عامه مردم نگویند که برخی از علمای بزرگ نسبت به سرنوشت مردم مسلمان بی تفاوت شده اند؟ و بدون اطلاع اظهار نظر نکنید تا باورهای آسیب دیده مردم که علماء اسلام را امین دین و ناموس و پناهگاه و امانتدار امانات خود می دانند بازسازی شود.

در پایان سلامتی و موفقیت حضرت تعالی و تمام مراجع دینی را از خداوند بزرگ خواستارم.

والسلام علیکم و رحمہ اللہ و برکاتہ.